

جسم‌انگاری متکلمان اسلامی

در ماسوی الله

دکتر مهدی قجاوند*، دکترای فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
دکتر سید عباس ذهبی، استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

کلام اسلامی، ثمره تلاش متکلمان چند سده نخست تاریخ اسلام است. در میان آموزه‌های اصلی کلام اسلامی، تجرد خداوند از یک طرف و جسم‌انگاری ماسوای او از سوی دیگر، از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. این رویکرد از معدود مباحثی است که تقریباً بین همه فرق کلامی، بویژه در قرون اولیه هجری مشترک است؛ معتزله، امامیه، اشاعره و دیگر فرق کلامی همه در این عقیده اتفاق نظر دارند. این اجماع، ریشه در جایگاه دین‌ورزی آنها دارد، چراکه معتقدند ورود بحث «تجرد» به ماسوی الله موجب سستی پایه‌های توحید میشود و ارکان خداشناسی را تحت تأثیر قرار میدهد. از اینرو، متکلمان ماسوی الله را اموری جسمانی (خواه جسم لطیف یا جسم کثیف) میدانند و «مجرد» را حقیقتی کامل و بینای مطلق معرفی میکنند.

این نظریه، مبنای برخی از اصلیت‌ترین آموزه‌های کلامی بوده است. نفی تشبیه و نفی عوالم غیر مادی (مثل عالم عقول) از وجوه سلبی این دیدگاه بشمار می‌آید و جسمیت ملائکه، حدوث عالم، فنای عالم و معاد جسمانی، از وجوه ایجابی آن است.

کلید واژگان

متکلمان
حدوث عالم
معاد جسمانی
جسم‌انگاری
فنای عالم
تجرد

طرح مسئله

پیش از آنکه علم کلام با فلسفه درآمیزد و متکلمان از آموزه‌های فلسفی در تبیین عقاید کلامی استفاده کنند، کلام صورت خالصتری داشت و متکلمان خود را جدای از فیلسوفان میدانستند. این استقلال، از آغاز شکلگیری مکاتب کلامی در قرن دوم هجری تا حدود سده هفتم حفظ شد، اما رفته رفته رنگ باخت و قلمرو خود را با فلسفه درآمیخت. در چند سده نخستین، الگوی فکری متکلمان بیش از هر چیز متن آیات قرآن و نصوص دینی بود، از اینرو متکلمان این چند قرن یا آموزه‌های فلسفی را از بن نادیده انگاشته‌اند یا بدیده طعن و طرد به آن نگریسته‌اند.

مهمترین تفاوت متکلمان و فیلسوفان در این دوره، بحث تجرد یا عدم تجرد موجودات در ماسوی الله است. فیلسوفان بر مبنای الگوی عقلانی - استدلالی

(نویسنده مسئول) *Email: mehdi.ghojavand@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۲/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱۵